

کاوشی در آموزش جنسی با نگرش اسلامی

<?xml encoding="UTF-8">

آقای دکتر شیخ عبدالمعبود از متصدیان دانشگاه کمبریج است و تحقیقاتی را در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی انجام داده است. وی با اینکه به مدت 10 سال در دانشگاه راج شاهی بنگلادش و دانشگاه یوتا در آمریکا به تدریس نیز اشتغال داشته است اما حوزه اصلی علاقه مندی ایشان در تعلیم و تربیت اسلامی است و در همایش های مختلف در اروپای شرقی و میانه، آمریکا، بنگلادش، هندوستان و مالزی شرکت و سخنرانی داشته است ایشان ویراستار ارشد مجله فصلنامه آموزش اسلامی کمبریج بوده و تاکنون مقالات بسیاری از ایشان در مجلات بین المللی انتشار یافته است.

مقدمه

آموزشی که مسایل جنسی را مورد توجه قرار دهد، در اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است. مقررات مربوط به رفتار جنسی، مسایل دینی و فقهی (1) از قبیل نماز، روزه، غسل، بلوغ، ازدواج و طلاق، حفظ قرآن، حج و غیره را تحت الشعاع قرار داده است. بنابراین، شناخت مسایل جنسی در خلاء و بدون توجه به سایر امور زندگی امکان ندارد. امور جنسی، بخشی از زندگی است که قوانین اسلامی خاص بر آن حاکم است. به آموزش جنسی، نه تنها به عنوان درسی از برنامه آموزشی مدارس، بلکه باید به عنوان بخشی از یک نظام عقیدتی نگریست. تضاد بین ایمان مردم از یک طرف و محتوای آموزش دینی در مدارس بریتانیا، به خوبی مشهود است، اما به تضاد بین دین مردم و آموزش جنسی به آسانی نمی توان پی برد؛ زیرا ماهیت دینی آموزش جنسی را، آنچنان که باید، نمی توان شناخت. باید بر این نکته تأکید کرد که مشکلات مربوط به آموزش جنسی، بیش از آن که فرهنگی باشد، دینی است. بخشی از مباحث مطرح در اخلاق اسلامی، به بررسی رفتارهای متفاوت جنسی اختصاص دارد که به عقیده مسلمانان معتقد به مبدأ و معاد، به عنوان مقررات حاکم بر رفتارهای جنسی محسوب می شود. آموزش جنسی در اسلام، به دلیل تأثیر گذاری بر عقاید اساسی انسان ها، باید به صورت آرمانی با تمام مقولات و راهکارهای عملی به مسلمانان منتقل شود.

آیه مبارکه «ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین؛ بی تردید نماز، عبودیت، زندگی و مرگ من از آن خدا، پروردگار جهانیان است»، (2) دیدگاه همه جانبه به آموزش جنسی را توجیه می کند. مطابق دیدگاه اسلام، تصریح قرآن و سیره عملی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، تمام فعالیت های انسان، باید تحت فرمان خدای متعال هدایت شود. این اصل اساسی، تمام ابعاد زندگی انسان، از جمله آموزش جنسی را تحت تأثیر قرار داده است.

کسانی که امروزه به اسلام ایمان می آورند، مانند پیشینیان، به مسایل اساسی اخلاق و رشد معنوی خود، توجه چندانی ندارند. آموزش جنسی از دیرباز در انگلستان، نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای معتقدان به سایر ادیان، موضوعی مسئله

ساز بوده است. دانش آموزان و سازمان های آموزشی، به صورت های متفاوت، اعتراض خود را به کیفیت آموزش جنسی مدارس اعلام کرده و به موفقیت هایی نیز نایل شده اند. در گذشته، آموزش جنسی به عنوان درسی مستقل در برنامه های آموزشی کشورهای مسلمان نشین مطرح نبوده است، بلکه در ضمن تدریس معارف دینی گنجانده می شده و در ضمن عناوینی از قبیل رعایت بهداشت، مسایل خانوادگی، ارزش ها، کرامت انسانی، حیا و عفت (3)، تحسین و ستایش (4) و فعالیت های ممنوع، با استفاده از زبان غیر صریح و غیر مستقیم آموزش داده می شود. جوانان مسلمان، رفتارهای جنسی، آداب و رسوم، فضایل، رذایل و تابوها را، نه از طریق برنامه رسمی مدارس، بلکه از جامعه می آموزند. در جوامع مسلمان، فشار سختگیرانه اجتماعی و تفکیک دانش آموزان پسر و دختر در مدارس، به هیچ وجه اقتضا نمی کند، آموزش جنسی از نوع غربی آن در دوره های ابتدایی یا متوسطه به اجرا درآید. بی خبری دانش آموزان ابتدایی از کیفیت خلقت انسان و بی اطلاعی دانش آموزان متوسطه از شیوه های مختلف جلوگیری از حاملگی، امری غیر معمول نیست، بلکه کاملاً طبیعی است. به نظر می رسد در جامعه ای که رفتار جنسی آزاد نیست، اطلاع درباره راه های جلوگیری از حاملگی، تنها برای کسانی که ازدواج کرده اند لازم است. به طور کلی جوامع مسلمان، به این نظر پیامبر توجه دارند که دانش بی فایده را نباید آموخت، زیرا روز قیامت از عمر و امکانات آدمیان سؤال می شود که چرا آن را در راه های نامشروع به هدر داده اند. (5)

دیدگاه اسلام درباره نظافت شخصی و ابعاد اخلاقی و معنوی آموزش جنسی، در راستای باورهای دینی است و با دیدگاه سکولاریستی که بر جنبه های بیولوژیکی و بهداشت جنسی انسان، بدون توجه به مسایل دینی تأکید می کند، تفاوت فراوان دارد. اصول یهودی و مسیحی حاکم بر زندگی جنسی مردم غرب، را به سوی شیوه جدید زندگی پیش می رود و با هر موضوع شخصی و اجتماعی، بدون اندک توجهی به هنجارهای دینی، سازگار است. زمینه های مشترک اسلام و مسیحیت در هنجارهای اساسی، بیش از نقاط مشترک ایدئولوژی غرب مدرن و مسیحیت است، اما بسیاری از مردم غرب، آن اندازه از اصول دینی خود فاصله گرفته اند که باید یک مسلمان پیدا شود و نقاط تلاقی بین این دو دین را یادآوری نماید. (6) مسلمانان در غرب، در شرایطی زندگی می کنند که ابتدایی ترین ارزش ها به صورت جدی زیر سؤال رفته است و پیوسته با این موضوع درگیرند که چگونه این ارزش های اساسی انسانی را حفظ کرده و نسل جوان خود را از خطرات محافظت کنند.

به صورت سنتی، آموزش جنسی، با توجه به جایگاه انسان در مجموعه خلقت و هدف او از زندگی این جهانی، که همان آمادگی برای جهان آخرت است، قابل تعریف است. تعیین محتوای آموزش جنسی برای مسلمانان، از اهمیت زیاد برخوردار است، زیرا این محتوا، محدوده سخن درباره آن و همچنین اتخاذ تصمیم صحیح درباره مسایل جنسی را تعیین می کند، اما نگرش دینی نسبت به آموزش جنسی و ارزش های خانوادگی، به صورت روشن از برنامه مدارس ایالتی (7) رخت بر بسته و همین امر منشاء اساسی تضاد میان دیدگاه اسلام و سکولاریسم شده است. در صفحات آینده، ماهیت این تضاد، به صورت جزیی بررسی شده و پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت فعلی مدارس ایالتی ارائه شده است.

جهان بینی اسلامی

آموزش جنسی در اسلام، بر جهان بینی اسلامی درباره ماهیت انسان و رابطه او با خالق مبتنی است. مطلوب اسلام این است که عناصر جسمانی و روانی انسان ها، هماهنگ و متحد بوده و برای شکوفایی کامل

استعدادهای او، عنوان نماینده خدا بر روی زمین، متعادل و هماهنگ عمل کنند. اسلام غرایز جسمانی انسان را انکار نکرده و خواهان سرکوب آن نیست، اما با آزادی بی قید و بند آن نیز موافقت نمی کند؛ بلکه جهت و بستر ارضای غرایز را به صورتی کنترل شده و روش مند تعیین می کند، آن گونه که همزمان با کنترل عواطف و امیال، بتوان قوای عقلانی خود را نیز تقویت کرد.

اسلام برای حفاظت از پاکدامنی (8) و صداقت مردان و زنان، مقررات سختی که برای رشد اخلاقی معنوی آنها لازم است وضع نموده است. مردان و زنان مؤمن، موظفند از عفت و پاکدامنی خود، با نهایت دقت پاسداری کنند. اسلام برای حفاظت از پاکدامنی (9) و صداقت مردان و زنان، مقررات سختی که برای رشد اخلاقی معنوی آنها لازم است وضع کرده است. مردان و زنان مؤمن، موظفند از عفت و پاکدامنی خود، با نهایت دقت پاسداری کنند. ضرورت رعایت عفاف در جملات ذیل به خوبی بیان شده است :

تمام مؤمنان اعم از زن و مرد موظفند عفت را رعایت کنند. زن و شوهر می توانند هر گونه بهره برداری جنسی از یکدیگر داشته باشند، اما بیرون از حریم خانواده، هیچ گونه رفتار جنسی مجاز نیست. کارهایی از قبیل عریان کردن بدن و بی حیایی، که موجب وسوسه و تحریک غریزه جنسی می شود، از نظر اسلام حرام است. باید از چشم دوختن به نامحرم پرهیز و از خلوت کردن زن و مرد نامحرم با یکدیگر جلوگیری نمود. حیا و عفت، مانند سایر صفات اخلاقی، جزئی از ایمان است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمودند : شما برای من چند کار را تضمین کنید، من نیز در مقابل، بهشت را برای شما ضمانت می کنم : در مقام تکلم دروغ نگویید، به امانت خیانت نکنید، خلف وعده نکنید، چشمان خود را از نامحرم حفظ کنید و شهوت جنسی خود را کنترل کنید. تخلف جنسی، گناه بزرگی است. گناهی نابخشودنی که تنها راه بخشش آن، توبه کردن به درگاه خدا و بازگشت به باورها و رفتارهای شایسته است. همچنین می فرمودند : هیچ گناهی بیش از زنا، خدا را به خشم نمی آورد. اگر آنچه را که من می دانم شما می دانستید، از خنده ها کاسته و بر گریه های خویش می افزودید. (10)

میل جنسی امری طبیعی است، اما تنها راه ارضای طبیعی آن، ازدواج است. پرهیز از کارهایی که میل جنسی را بر می انگیزد، واجب و هر رفتاری که انسان ها را به ارضای جنسی غیر مجاز سوق دهد، شدیداً تحریم شده است. برترین ملاک در امور جنسی، تقوا (11) با توجه به «خدا آگاهی» (12) است. نقل شده که پیامبر می فرمودند : با زانی ازدواج کنید که دارای ویژگی اصالت خانوادگی (13)، زیبایی زنانگی و تعبد نسبت به دین باشند. (14) اولین ملاک در گزینش همسر، تعبد و توانایی های شخصی اوست و سایر ملاک ها، از جمله زیبایی جسمانی و مثل آن در درجه دوم اهمیت قرار دارد.

اسلام بر ازدواج به عنوان وظیفه ای دینی که از طریق مقررات اجتماعی محقق می شود و باید از بیش ترین استحکام ممکن برخوردار باشد، تنها از طریق علاقه شدید زن و مرد به یکدیگر و بر اساس ساختار خانواده تأکید می کند. به هر حال، ازدواج در اسلام، مانند مسیحیت به تقدس بخشیدن (15) نیاز ندارد، زیرا رفتار جنسی از طریق ازدواج، خود امری مقدس است که برای آن محدوده قانونی تعیین شده است.

باید زمام شهوات انسان ها را به دستورات اسلام سپرد و در این زمینه به تقدس سازی نیازی نیست. ازدواج در اسلام، برآمده از روابط عاشقانه قبل از ازدواج نیست، بلکه بر دو پایه شناخت و درک متقابل در سایه ارزش ها و تعبد بر اطاعت خدا استوار است و همین امر، شالوده مستحکم زندگی مشترک را بنیان می نهد. اسلام برای برقراری رابطه زن و مرد، محدودیت هایی تعیین کرده؛ به گونه ای که بتوانند با نهایت سازگاری، اعتماد متقابل و

پاکدامنی، با یکدیگر تعامل داشته باشند. این موضوع، رابطه بهتر زناشویی و زندگی خانوادگی آرام و ماندنی که به نفع تمام اعضای خانواده، اعم از شوهر، همسر و کودکان باشد را تضمین می کند و دستاورد آن، با لذات گذرای جنسی خارج از محدوده ازدواج قابل مقایسه نیست.

جامعه اسلامی تحقیر بانوان از طریق سوء استفاده جنسی، برای امیال شهوانی یا تبلیغات تجاری، را به هیچ وجه مجاز نمی شمارد. برخلاف باور رایج غربیان، در اسلام، زنان دارای شرافت و کرامت بوده و باید مورد احترام باشند. بانوان را نباید ابزار ارضای جنسی دانست و به هیچ وجه نباید از آنها سوء استفاده جنسی کرد. حق بهره برداری جنسی زنان، تنها از آن شوهران است و بس. زیبایی زنان نباید مردان اجنبی را به سوی آنها جذب کند. ارضای شهوات جنسی خارج از محدوده ازدواج، ارزش های اخلاقی را تنزل داده، پایه های ازدواج را سست نموده، خانواده ها را ناپایدار کرده و شیرازه جامعه را از هم فرو می پاشد. رعایت عفت جنسی منحصر به زنان نیست، بلکه مسئولیتی است که ایفای آن بر هر زن و مرد مسلمان واجب است. (16) در واقع، رابطه معنوی زن و مرد، به عنوان مبنای اجتناب ناپذیر رابطه جنسی، امری ضروری است. این ماهیت مثبت و خدامحوری مسایل جنسی، در چندین جای قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. (17)

از آن جا که خانواده سنگ زیر بنای جامعه است، اسلام به ارزش های خانوادگی که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود، اهمیت فراوان می دهد. این ارزش ها را که می توان در آیات قرآن، احادیث و رفتارهای سنتی مسلمانان پیدا کرد، طی قرن ها جوامع اسلامی سراسر دنیا را تحت تأثیر قرار داده است. مسلمانان برای این سنت ها بیش ترین ارزش و احترام را قایلند، زیرا بدون آن، انسجام، نظم و توافق خانواده ها به صورت جبران ناپذیری از بین خواهد رفت. این ارزش ها روابط اعضای خانواده را از طریق سلسله مراتب، که متضمن احترام متقابل و عشق اعضای خانواده به یکدیگر است، تعیین می کند. پیامبر اسلام می فرماید: کسی که به پیران احترام نگذارد و نسبت به جوانان مهربان نباشد، از من نیست. احترام و محبت، شالوده خانواده است که محیطی پایدار برای تمام اعضای خانواده فراهم می آورد. قرآن کریم درباره جایگاه پدر و مادر می فرماید: «و قُضِيَ رَبِّكَ الْآ تَعْبُدُوا إِلَّا آ تَاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا.» (18)

عبدالله یوسف علی در تفسیر آیه فوق می گوید: «اولاً در این آیه، فقط احترام به والدین مورد نظر نیست، بلکه به مهربانی از روی علاقه و شفقت نیز توصیه شده است. ثانیاً این فرمان، با فرمان اطاعت از خدای یگانه در کنار هم آمده است و این بدان معناست که عشق به والدین نوعی عشق به خداست، یعنی در واقع زحمات پدر و مادر با هیچ چیز قابل جبران نیست. ثالثاً میزان تعالی معنوی انسان ها به این صورت آزمایش شده است. اگر نسبت به کسانی که با از خود گذشتگی ما را بزرگ کرده اند، با ملایمت رفتار نکنیم یا نامهربانی کنیم، چگونه از خدای متعال امید عطا و بخشش داشته باشیم؟»

این مضمون در روایات متعدد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد تأکید قرار گرفته است. مثلاً ایشان در روایتی می فرمایند: «شاد کردن پدر، شاد کردن خدا و ناراحت کردن او ناراحت کردن خداست.» یا می فرمایند: «بهشت زیر پای مادران است.» (19) این سفارش ها به معنای احترام گذاشتن و عشق ورزیدن به تمام اعضای خانواده و سایر بستگان است.

در نتیجه محبت دوجانبه و درک متقابل، زمینه فردگرایی و خود محوری، از بین رفته و انسان ها با ایثار، تسامح، درک دیگران و پذیرش مسئولیت رفتار خود و احساس مسئولیت در برابر دیگران، پرورش خواهند یافت.

نقش مکمل زن و مرد

چون دین اسلام با اهداف و کمال نهایی انسان ها سروکار دارد، برای رسیدن انسان ها به سعادت و لذت دنیا و آخرت، محدوده جنسی باید تجلی اصول معنوی و اخلاقی باشد.

مطابق دیدگاه اسلام، تعادل اجتماعی و روانی از طریق ایفای نقش مکمل، نه مخالف، زنان و مردان که بهترین سود آن به جامعه می رسد، امکان پذیر است. چون امور جنسی با تقدیر خدای متعال ایجاد شده، از اهمیت متافیزیکی عمیقی برخوردار است.

برخلاف تلاش هایی که در سال های اخیر در جهت اثبات تساوی زن و مرد صورت گرفته، اسلام، در عین این که خلقت آن ها را از حقیقت واحده می داند، تفاوت اساسی میان این دو جنس را، به عنوان بخشی از نقشه لایتنیغیر خدای متعال به انسان ها آموزش می دهد. (20) زن و مرد از طریق یکسان سازی (21) دو جنس، هرگز به توانش کامل خود دست نیافته و به واقعیات درونی و والاتر زندگی نمی رسند. در بسیاری از جنبه های ظاهری زندگی، اصول اسلامی بر عفت جنسی و جدایی دختر و پسر مبتنی است. نقش مکمل زن و مرد، از مشارکت زنان مسلمان در تقریباً تمام کارها از مدیریت کشور گرفته تا مالکیت تجارتخانه های عمده یا حتی کار در مغازه های قصابی ممانعت نمی کند. جوامع اسلامی، هیچ زمانی از وجود بانوان سرشناس و چهره های دینی و روشنفکر تهی نبوده است.

سید حسین نصر در این باره می گوید : هر جنس به گونه ای مثبت، تجلی یکی از صفات الهی است. به این ترتیب، نه تنها انحراف و کجروی جنسی، گامی بلند به سوی انحراف از کمال معنوی و مانعی بزرگ در راه آن است، بلکه به معنای از دست دادن ویژگی های مردانگی و زنانگی و حرکت روان شناختی و عاطفی به سوی نوع رایج خنثی گرایی (22) و مطابق ادله اسلامی، باختن جبران ناپذیر خویشتن و در نهایت، سقوط از کمال اولیه انسانی است. پیامبر بزرگوار اسلام به مردان و زنانی اشاره می کنند که پوشش یا نحوه رفتار آنها، برعکس لباس جنس خویش خواهد بود و این امر را یکی از علایم دوره آخرالزمان می داند. در اسلام، زن و مرد به عنوان دو مخلوق مجزای خدای متعال تلقی می شوند که هر یک از آنها تجلی برخی اسما و صفات اویند، اما در وحدتی مکمل، به سوی تعادل (23) و کمال که خدای متعال برای آنها تقدیر کرده و هدف هستی قرار داده در حرکتند. این دو جنس چنان به یکدیگر عشق و محبت می ورزند که هر یک حمایت، آرامش و رضایت خاطر خویشتن را در دیگری می جویند. رابطه زوجیت که از خلال آن، هر یک آرامش را در کنار دیگری می جویند، منحصر به رفتارهای جنسی نیست، بلکه روابط روان شناختی و معنوی را نیز شامل می شود.

مبانی ایدئولوژیکی آموزش جنسی در مدارس بریتانیا

تعلیم و تربیت، فعالیتی ارزش محور (24) است. هر نظام تعلیم و تربیت و مجموعه عناصر آن، تحت یک نظام فلسفی یا ایدئولوژی فراگیر به وحدت می رسد و جهت گیری آن به مقتضای زمان و همراه با تحول در وضعیت اجتماعی سیاسی کشورها متفاوت است. با نگاهی به پرونده دولت های پیشین انگلستان در باب آموزش جنسی، به این نتیجه می رسیم که هنجارهای ارزشی سنتی به تدریج تغییر کرده است.

مصوبه (1986 Act) با این جمله «... با توجه به ملاحظات اخلاقی و ارزش های زندگی خانوادگی...» بر اهمیت امور جنسی تأکید می کند. در بخشنامه (Circular) 11/78 آمده است : باید به کودکان کمک کرد خطرات جسمانی، عاطفی و اخلاقی لایابالی گری و رفتار ناسنجیده جنسی... را بشناسند. در مقابل، باید منافع ازدواج پایدار و زندگی خانوادگی و مسئولیتهای والدینی (25) را به کودکان آموخت. بخشنامه 94/5 می گوید : باید دانش

آموزان را تشویق کرد ارزش خانواده پایدار و مسئولیت والدینی را بدانند.

برای مقایسه، به تفاوت واژه های کلیدی در عبارات فوق توجه کنید. مثلاً عبارت «زندگی خانوادگی» جایگزین «ازدواج پایدار و زندگی خانوادگی» شده است. در این بخشنامه، «زندگی پایدار خانوادگی» تعریف نشده، اما واضح است که تعریف «خانوادگی» ضمن اینکه محدوده ازدواج را شامل می شود، زندگی مشترک زن و مرد بدون قید و بند تزویج و پذیرش مسئولیت خانوادگی را نیز در بر می گیرد. بنابراین، از دانش آموزان درخواست می شود ارزش زندگی پایدار خانوادگی و ازدواج را درک کنند. اما سؤال این است که اگر زندگی پایدار مشترک که مبنای آن ازدواج نیست نیز با ارزش باشد، در آن صورت ازدواج چه ارزشی دارد؟ این است که می توان گفت بین ارزش هایی که به جامعه منتقل می شود، تضاد ماهوی وجود دارد.

عبارت «یک سلسله رفتارها» به جای عبارت «رفتار جنسی غیر رسمی و ناسنجیده» آمده است. بی تردید رفتار جنسی نسنجیده و غیر رسمی بین جوانان بسیار رایج است، اما روشن نیست که آیا «یک سلسله رفتارها» مصوبه 84/5، رفتار غیر رسمی و ناسنجیده در مصوبه 87/11 را نیز شامل می شود یا نه؟ در صورتی که این قید را نیز شامل شود، نشان می دهد تصریح آنها در عبارت سابق، به این دلیل است که دست اندرکاران، جوانان را به هدایت روشن و صریح در این موارد نیازمند می دانسته و اشاره صریح آنان، هشدار می است به خطرات این رفتارهای خاص.

در مصوبه شماره 94/5 همچنین آمده است :

هدف آموزش جنسی، آگاه کردن جوانان با روابط عاشقانه (26)، ماهیت امور جنسی و فرآیند تولید نسل است. همزمان باید دانش آموزان را به سوی کسب فهم و نگرشی آماده کند که روابط خود را در قالب رفتاری مسئولانه و سالم بنگرند.

در این مصوبه، معنای «روابط عاشقانه» و «رفتار مسئولانه و سالم» توضیح داده نشده است، اما یقیناً مقصود از آن، روابط جنسی است. سؤالی که مجدداً پیش می آید، این است که آموزش جنسی، درباره این روابط چه اطلاعاتی را باید در اختیار بگذارد؟ علاوه بر این، شاید «رفتار مسئولانه و سالم» به معنای پرهیز از حاملگی و کاهش خطرات، ایدز و سایر امراض مسری مقاربتی باشد. گزینش دقیق واژه ها، همراه با باز گذاشتن راه برای تفاسیر گوناگون، نشانگر این واقعیت است که رویکرد سنتی اخلاقی، تنها یکی از احتمالات فراوان این محدوده است، اما از دیدگاه دینی، رابطه ناسنجیده جنسی، رفتاری غیر اخلاقی و گناه است و روح معنویت انسان ها را تباه می کند. به بیان روشن تر، در محدوده این اندیشه، نظام اخلاقی و معنوی به حاشیه رانده شده و این امر با تلاش های قابل تحسین اخیر دولت، برای اینکه نظام اخلاقی و معنوی را در متن تعلیم و تربیت قرار دهد، سازگار نیست. بخشنامه یا مصوبه، هیچ کدام درباره پرهیز از ارضای جنسی قبل از ازدواج با روابط نامشروع (27)، به عنوان مناسب ترین راه برای کنترل امراض مقاربتی و حاملگی های ناخواسته یا مناسب ترین راه برای تشکیل خانواده پایدار، سخن نگفته اند.

مروری بر متون درسی مدارس نشان می دهد تعابیری از قبیل : دختر، پسر و مرد وزن، جانشین واژه های شوهر و همسر شده است. مسایل مربوط به والدین و اصول عفت و بکارت (28) به حاشیه رانده شده یا نامربوط و غیر طبیعی به نظر می رسد. این تحول در کاربرد کلید واژه ها، با بخشنامه شماره 1993 تعلیم و تربیت منافات ندارد، اما به این معنا نیست که این محدوده مطلقاً غیر اخلاقی است. در واقع، غالب مسلمانان با بسیاری از موضوعات این قلمرو، مثل اهمیت خود نگهداری (29)، کرامت انسان، احترام به خود و دیگران، مسئولیت پذیری،

حساسیت نسبت به نیازها و دیدگاه های دیگران، وفاداری و پایبندی در امور جنسی (30) موافقند. البته مسایلی از این قبیل، با دیدگاه مذهبی، همپوشی فراوان دارد، اما مسایل اساسی، از قبیل عقیده به مسئولیت داشتن در برابر خدای متعال و گناه بودن برخی اعمال، نادیده گرفته شده و فعالیت های جنسی قبل از ازدواج و روابط نامشروع، به عنوان اموری کاملاً طبیعی و قابل قبول، آموزش داده می شود یا با واگذاری داورى درباره آن به جوانان، به سادگی از کنار آنها عبور می شود؛ در حالی که داورى درباره مسایل مهمی از این قبیل را، نمی توان به افراد واگذار کرد. هر چند انتخاب، امری فردی است، اما رفتار فردی، هنجار ایجاد نمی کند.

موضوعی که هر کس طالب دانستن آن است، این است که جوانان در کدام شاخه های تعلیم و تربیت مجازند شخصا دست به تجربه زده و خود قضاوت کنند؟ چرا خانواده ها به فرزندان اجازه می دهند ارزش هایی را فراگیرند که نظام خانوادگی و باورهای دینی آنها را فرو می ریزد. بعد از طرح این سؤالات، سؤالات اساسی تر دیگری نیز مطرح می شود از جمله، این سؤالات که : بالاخره چه کسی مسئول تعیین چارچوب برنامه های آموزشی است؟ تعلیم و تربیت کودکان، بیش از همه، حق چه کسی است؟ ناگفته روشن است که پرداختن به این مباحث، خارج از محدوده این مقاله است.

استفاده از فیلم های ویدیویی و نمودارها، هم می تواند حامل پیام منفی و هم با احترام گذاشتن به اخلاق جنسی، دارای پیام مثبت باشد. پیامی را که دانش آموزان، مثلاً از ورود معلم به کلاس با کوله باری از ابزار آموزش جنسی حاوی بروشورها، همراه با نمودارهای گویا و ابزار جلوگیری از حاملگی دریافت می کنند کاملاً واضح است.

نمایش شیوه عملی استفاده از ابزار جلوگیری، همراه با توصیف زنده تغییرات فیزیکی که قبل، در بین زمان مجامعت و بعد از آن انجام می گیرد، دیوارهای شرم را فرو ریخته و دانش آموزان را تشویق می کند که فعالیت های جنسی را عملاً تجربه کنند. پیام دیگری که دانش آموزان از این رفتار معلم دریافت می کنند، این است که احساس می کنند سن آنها به حدی رسیده که می توانند روابط جنسی برقرار کنند. کیفیت نگرش اجتماعی به زندگی مشترک یا زندگی جنسی غیر رسمی بدون ازدواج، به صورت طبیعی در برنامه های درسی منعکس می شود.

تدریس مواد درسی در برخی مدارس، چنان بی پرده است که می توان آن را بی بند و باری (31) نامید. میزان این صراحت، در تمام مدارس یکسان نیست؛ اما به طور کلی آهنگ بسیاری از متون آموزش جنسی، خارج از مقوله اخلاق است. با استناد به برخی مقالات منتشر شده، می توان گفت در میان برخی حامیان این نوع آموزش جنسی، تمایلی وجود دارد که از رهاسازی دانش آموزان از نفوذ خانواده حمایت کند. این امر بدون ترغیب دانش آموزان، با نام آزادی تحقیقات یا تحت عنوان روشنفکری، به مبارزه با ارزش های سنتی دینی، مخصوصاً در زمینه ازدواج و روابط جنسی، امکان ندارد. به گفته سید علی اشرف، نیروهای سکولاریست موفق شده اند با نام آزادی فردی، دانش آموزان را وادار کنند آموزش جنسی را به عنوان جزیی از برنامه ملی (32) بپذیرند. امروزه محدوده آموزش جنسی، به حدی گسترده شده که کودکان زیر یازده سال را نیز تحت پوشش قرار داده است.

در نظام سکولاریستی، جزئیات آموزش جنسی را هر مدرسه به صورت جداگانه تعیین می کند. از دیدگاه آنها، ارزش اخلاقی مطلق، که تمام مدارس موظف به رعایت آن باشند، وجود ندارد. این وضعیت، حاکی از شرایط اخلاقی جامعه ای است که اکنون در آن زندگی می کنیم. در وضعیت سر در گمی اخلاقی، به نظر می رسد هیچ چیز پایدار نیست. اگر فلسفه ای که این جهان بینی بر آن مبتنی است، اطلاق و جاودانگی را نپذیرد، ظهور چنین اعتقادی اجتناب ناپذیر است. ارزش هایی که شالوده این قلمرو را تشکیل می دهد، از نوعی جهان بینی ناشی شده که مستقیماً با جهان بینی اسلام، مسیحیت، یهودیت، بودیسم، سیکسیسم و هندوئیسم در تضاد است.

تمام ادیان بزرگ دنیا، اهمیت ازدواج و ارزش های سنتی زندگی خانوادگی را پذیرفته اند، اما آموزش جنسی به صورت کنونی در مدارس، از طریق درس های علمی یا به صورت آگاهانه از طریق درس های آموزش جنسی، نگرشی مکانیکی نسبت به امور جنسی ارایه می دهد و ارزش هایی را منتقل می کند که غالباً غیر دینی یا ضد دینی است؛ یا این که مدارس گاهی، با وجود اهمیت موضوع، منفعلانه عمل می کند. اما انفعال، فی ذاته یک ارزش است. مدارس موضع گیری انفعالی یا احتمالاً بی طرفی خود را با این اعتقاد توجیه می کنند که وظیفه ندارند یک محدوده ارزشی ویژه را بر دانش آموزان تحمیل کنند. اما در واقع، با تأکید بر ابعاد فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی و جنبه های لذت بخش ارضای جنسی، ارزش هایی را که شالوده عقیدتی خاصی دارد به دانش آموزان منتقل می کنند و این نوعی تلقین (33) است. در این شیوه، به جای ارایه نگرش اخلاقی به دانش آموزان و هدایت زندگی آنان به آن سو، نسبت به یکی از غنی ترین جنبه های تجربه انسان، یعنی رابطه سرشار از عشق زوجیت، دیدگاهی ماده گرایانه، پست و کاملاً محدود ارایه می شود. هر چند بر جنبه های بیولوژیکی و پزشکی بدن بیشتر تأکید شود، دانش استفاده از ابزار جلوگیری، موقعیت مهم تری در دروس آموزش جنسی می یابد. درست است که دانش آموزان کمتر از شانزده سال، قانوناً حق مجامعت ندارند، اما به نظر می رسد این نگرش، توصیه به استفاده از ابزار جلوگیری برای آنها را هم کاملاً بجا می داند.

با وجود این که والدین از برنامه های آموزش جنسی مدارس اطلاع دارند، اما از جزئیات محتوای آن آگاهی کامل ندارند. مثلاً در دروس آموزش جنسی که درباره «معضلات اخلاقی» (34) سخن می گوید، ممکن است سؤالات اخلاقی دانش آموزان مطرح شود، اما مربیان از طریق آن، به نتایجی که مورد نظر خود آنان است می رسند. این را نمی توان هدایت اخلاقی نامید. بسیار نادر است که معلمان دیدگاه های متفاوت درباره چنین مسایلی را به دانش آموزان عرضه کرده و انتخاب را بر عهده خود آنان بگذارند، بلکه غالباً دیدگاه های خود را بر دانش آموزان تحمیل می کنند.

کاهش حاملگی دختران زیر شانزده سال به میزان پنجاه درصد در سال دوهزار و کاهش رویداد ایدز و سایر بیماری های مقاربتی، از اهدافی است که در مقاله مشهور «وایت پیپر» (35) ذکر شده است. آموزش جنسی در مدارس، یکی از شیوه های تحقق این اهداف تعیین شده است. برای رسیدن به این اهداف، دولت گام هایی را به جلو برداشته که از جمله می توان به تحولات اخیر در آموزش جنسی مدارس اشاره کرد. اما سؤال این است که آیا در این تحولات، رابطه انسان با خدا نیز مورد توجه بوده یا فقط اموری از قبیل نحوه استفاده از ابزار جلوگیری از حاملگی مورد تأکید واقع شده است؟

برخورد ارزش ها

متن ذیل که از نامه ای شخصی اقتباس شده، پیچیدگی مشکلی را که ما در حوزه آموزش جنسی با آن مواجهیم، به صورت خلاصه بیان می کند :

«...اما در میان کشورهای اروپایی غربی، انگلستان محافظه کارترین کشور در این زمینه است. به عنوان مثال، اگر در گفت وگو با یک شهروند هلندی، مخالفت خود را با آموزش جنسی در مدارس ابراز کنید، چنان خیره و متعجبانه شما را می نگرد که گویی با آموزش درس جغرافیا مخالفت کرده اید. هلند کشوری است که دریای آن ساحل ندارد. اطلاعاتی های روسپی گری بر روی صفحه تلویزیون، حتی برای کودکان، در طول روز نمایش داده می شود. در پروژه های درسی، از دانش آموزان کم سن و سال می خواهند به عنوان یک کار هنری، عضو ویژه بدن

انسان را ترسیم کنند. برآستی آیا می‌توانید تأثیر این کار، بر کودکی در این سن که در کلاس نشسته و تمام همکلاسی‌های او در حال نقاشی کردن اعضای خاص بدن هستند را تصور کنید؟ هفتصد و پنجاه هزار نفر مسلمان در هلند زندگی می‌کنند، اما اجازه ندارند با معلم خصوصی در خانه‌ها تحصیل کنند. علاوه بر این، اجازه کناره‌گیری از برنامه‌های آموزش جنسی نیز به آنها داده نمی‌شود. یادآور می‌شود که در هلند مدرسه متوسطه اسلامی وجود ندارد.» (36)

هر چند وضعیت، در غالب مدارس بریتانیا از هلند بهتر است، اما این امر در بریتانیا موجب تضاد ارزش‌ها شده است. «نگاه خیره و متعجبانه» هلندی، یا حاکی از نادیده گرفتن سایر فرهنگ‌هاست و یا حاکی از این انتظار نامعقول است که همگان باید خود را با ارزش‌های اکثریت تطبیق دهند و نمایش تبلیغات مبتذل در تلویزیون، حاکی از این امر است که احساس شرم در آن جامعه، با آنچه از جامعه مبتنی بر ارزش‌های دینی انتظار می‌رود، متفاوت است. نقاشی کردن عضو خاص انسان و تلقی آن به عنوان امری آموزشی، رفتاری غیر اخلاقی است، اما به نظر مسئولان هلندی، کار هنری است.

هر چند ممکن است بریتانیا در مقایسه با برخی همسایه‌های اروپایی خود محافظه‌کارتر باشد، اما این بدان معنا نیست که از شرارت‌هایی که سایر کشورها رنج می‌برند، کاملاً در امان است. مثلاً نود و سومین مقاله «رمز هدایت» (37) که توسط کمیسیون استانداردهای برون مرزی (ژوئن 1998) منتشر شده است، درباره ابتذال برهنگی نوشت: «برهنگی (38) به انسان، آزارش بیشتری می‌دهد. عریان کردن بدن، تأثیری معقول و هیجان‌انگیز بر جای می‌گذارد، با این شرط که از برهنگی سوء استفاده جنسی نشود. توجیه این امر، از مقصد و شایستگی برنامه‌های فردی ناشی می‌شود.

وظیفه کمیسیون استانداردهای برون مرزی رادیو و تلویزیون، ترسیم این خط مشی‌هاست؛ زیرا مردم بریتانیا، عموماً «درباره نمایش‌های جنسی، آزادمنشانه و راحت‌تر عمل می‌کنند.» از این گفته، به سؤال مهم‌تری دست می‌یابیم و آن این است که: چگونه می‌توان درباره «شایستگی» یک برنامه منحصر به فرد، داوری کرد؟ منشاء ارزش‌هایی که تصاویر بدن برهنه انسان را توجیه می‌کند کدام است؟ غیر از تحریک جنسی انسان‌ها، پخش تصاویر هیجان‌انگیز چه تأثیر دیگری بر جای می‌گذارد؟ از دیدگاه اسلام، این امر، نفرت‌انگیز و از جهت اخلاقی کاری پست است. ارزش‌های مبتنی بر آزادی (39)، روح حاکم برنامه‌های آموزش جنسی فعلی است، اما سؤال این است که آیا این دسته ارزش‌ها ذاتاً خوب است؟ اگر ارزش‌ها ناشی از اصول و باورهای بنیادی است، پس باید ارزش‌های مثبت و منفی را از یکدیگر تفکیک کرد. مقصود از ارزش‌های مثبت، ارزش‌هایی است که دین و احساس اخلاقی، آنها را ذاتاً خوب می‌داند و از جهت معنوی سودمند است؛ در برابر، ارزش‌هایی وجود دارد که از جهت دینی و اخلاقی نارواست و خسارات معنوی به بار می‌آورد. ارزش‌های مثبت، کمک می‌کند انسان‌ها استعداد کامل خود را بشناسد و از طریق درک واقعیات برتر، به موفقیت‌هایی نایل آیند. ارزش‌های منفی، با رها کردن هیجان‌ها و امیال افسارگسیخته، انسانیت انسان را تخریب می‌کند. به فرموده قرآن کریم، خدای متعال انسان را به بهترین سرشت (40)، یعنی با بهترین و خالص‌ترین سرشت آفریده است که با پرورش ارزش‌های مثبت، می‌توان از آن حراست کرد. از طرف دیگر، ارزش‌های منفی، آدمی را از خدای متعال دور کرده و او را تا درک اسفل تنزل خواهد داد. (41)

عقیده به مثبت یا منفی بودن ارزش‌ها، نسبت به مناطق جغرافیایی متفاوت است. ارزش‌هایی که در یک منطقه مثبت است، ممکن است در منطقه دیگر منفی باشد. مثلاً، تمجید از دختر جوانی که لباس‌های فاخر به

تن کرده ممکن است در یک جامعه ارزش به حساب آید، اما در جامعه دیگر، شدیداً نکوهیده باشد یا مثلاً در فرهنگ خاصی، بسته به شرایط، یک ارزش گاهی مثبت و زمانی منفی باشد. دروغ گفتن، یک ارزش منفی است، اما همین عمل، برای نجات جان یک انسان، ارزش مثبت دارد.

برخورد ارزش ها را می توان به برخورد باورهای دینی معنا کرد. امروزه در بریتانیا افراد مختلف و رفتارهای جنسی متنوعی وجود دارد، اما آیا می توان تمام این رفتارها را لزوماً خوب دانست؟ آیا می توان دانش آموزان را بدون هیچ مدافعی در این شرایط، بی پناه رها کرد؟ مخصوصاً این سؤال مطرح است که چه نوع ارزش هایی باید مبنای آموزش جنسی قرار گیرد؟ جواب تمام این سؤال ها از دیدگاه اسلام، از برخی جملات فوق روشن می شود، اما مجموعه ارزش هایی که دانش آموزان در مدارس بریتانیا با آن مواجهند، با ارزش های دینی تفاوت زیاد دارد و احتمالاً از جهت ارزشی نیز تداخل هایی وجود دارد. مثلاً این واقعیت که خویشستن داری (42) برای جوانان مجرد امن ترین رویکرد به امور جنسی است، در مدارس ترویج نمی شود، بلکه از آنها انتظار دارند ارزش های شخصی خود را تغییر داده و به شیوه ای مسئولانه عمل کنند.

اندیشه رایج در این باب که دانش آموزان باید ارزش های اخلاقی و شخصی خود را، نه تنها در امور جنسی، بلکه در تمام جنبه های زندگی توسعه دهند، نیاز به بررسی دقیق دارد. ما در شرایطی زندگی می کنیم که تجارب جنسی، بخشی از زندگی نوجوانان را تشکیل می دهد. رسانه های گروهی، جامعه و همچنین مدارس نیز، نوجوانان را به همین جهت سوق می دهد. ارزش های اخلاقی را در خلاء نمی توان توسعه داد. به تعبیر دیگر، کسی قادر نیست ارزش های اخلاقی خود را بدون اتخاذ از یک منبع، توسعه دهد. در شرایط فعلی، ارزش های اخلاقی، هماهنگ با جامعه ای که روابط آزاد جنسی بر آن حاکم است، توسعه می یابد. پذیرش نوع ارزش ها، بستگی به عرضه آنها دارد. به علاوه، ارزش ها تا زمانی که با درون سازی (43) و عمل کردن به آن سروکار داشته باشد، اموری شخصی است، اما تا جایی که به ذات ارزش ها مربوط است، آرمان هایی را تعیین می کنند که انسان ها به اندازه توانایی خود آن ها را دنبال کنند.

در این باره، معلمان رهنمودهای چندانی به دانش آموزان نمی دهند و بلکه بر عکس، از ارزش های جامعه بزرگ تر حمایت می کنند. یکی از ادله این موضوع، پذیرش این فلسفه است که معلمان وظیفه ندارند ارزش ها را بر دانش آموزان تحمیل کنند و تنها وظیفه آنها ارایه شناخت است. این خود دانش آموز است که باید با تعمق، تصمیم آگاهانه بگیرد. علاوه بر این، معلمان غالب اوقات آمادگی ندارند دانش آموزان را هدایت کنند، زیرا خود آن ها نیز محصول جامعه ای هستند که یک سلسله ارزش ها در آن رواج دارد و هیچ هدایت مستقیم اخلاقی از آن دریافت نکرده اند.

ترویج رفتار جنسی مسئولانه نیز با مشکلاتی مواجه است، زیرا برخی مردم در محدوده خاصی از ارزش ها احساس مسئولیت می کنند. به عنوان مثال، در جامعه سکولاریستی، مرز احساس مسئولیت، آزرده جسمانی یا روانی افراد است. آنها نسبت به تأثیرات طولانی مدت روابط جنسی آگاهی دارند و جنبه های دینی، یعنی شرم و حیا و بکارت قبل از ازدواج و پذیرش اصول معنوی و اخلاقی، در این دیدگاه جایگاهی ندارد.

استفاده از ابزار جلوگیری، ممکن است از حاملگی جلوگیری کند، اما راه اقدامات جنسی غیر اخلاقی با تمام پیامدهایی که برای فرد و جامعه دارد را باز می کند.

قرآن کریم، مسلمانان را تشویق می کند که دیگران را به خوبی ها دعوت و از بدی ها منع کنند. (44) در این تشویق، مفهوم درست و نادرست نهفته است. رفتاری از جهت اخلاقی درست است که در دراز مدت از جهت

معنوی مفید باشد. بر عکس، امری از جهت اخلاقی نادرست است که از جهت معنوی مخرب باشد. امروزه در آموزش جنسی این موضوع آموخته نمی شود که ارضای جنسی بیرون از مرز ازدواج، به دلیل خسارت های معنوی و اجتماعی زیان بار است، بلکه برعکس مربیان آموزشی به نوعی خنثی گرایی اعتقاد پیدا کرده اند که دانش آموزان را تشویق می کنند فعالیت هایی را بپذیرند که لزوماً مورد تأیید دیدگاه دینی نبوده و به سرشت انسان توجهی ندارد.

دیدگاهی که فاقد سوگیری ارزشی (45) است، ممکن است درباره تمام ارزش های اخلاقی سکوت اختیار کند یا تمام ارزش ها را آموزش دهد و انتخاب را به خود دانش آموزان واگذار کند. همان گونه که قبلاً بیان شد، از یک طرف نمی توان نسبت به ارزش ها بی تفاوت ماند و از طرف دیگر، عرضه کردن تمام ارزش ها به دانش آموزان، بدون راهنمایی آنها به ارزش خاصی نیز ممکن است نقش تخریبی داشته باشد. از طرف دیگر، سخن گفتن معلمان در کلاس درباره برخی ارزش های خاص، ممکن است برای آنان، مشکل آفرین باشد. به عنوان مثال، حضور دانش آموزان تک والدینی (46) در کلاس، تحلیل نقادانه روابط نامشروع یا نامطلوبیت این روابط از دیدگاه دینی را مشکل می کند. امکان دارد معلمان نسبت به صحت یا عدم صحت نوع خاصی از روابط جنسی سکوت اختیار کنند، اما این سکوت نیز، خود تأییدی بر این اقدامات است.

به نظر می رسد انگلستان کشوری دینی باشد، اما برخی قوانینی که مجلس، در حوزه امور جنسی تصویب کرده، صددرصد غیر دینی و ضد آیین مسیحیت است. تضعیف عقیده به مسیحیت در انگلستان، نه تنها قلمرو آموزش جنسی، بلکه تمام قلمروهای زندگی را صحنه تاخت و تاز ارزش های ضد دینی قرار داده است. اگر باورهای دینی مردم قوی بود، امکان نداشت چنین قوانینی در مجلس به تصویب برسد. این وضعیت ناشی از کاهش تدریجی حساسیت های دینی مردم بوده و به آن دلیل است که اهمیت و نیاز قطعی به پیروی از یک دین، چندان برای آنها روشن نشده است. در واقع، در جوامع سکولاریستی، مانند جامعه امروز انگلستان، حتی کسانی که خود را مذهبی می پندارند، تمایل دارند مذهب را به گونه ای تفسیر کنند که با نوع سنتی آن بسیار تفاوت دارد. این نگرش آزاد منشانه به دین، پذیرش تفسیر قطعی از دین را بسیار دشوار می سازد. از طرف دیگر، کسانی که مایلند از شیوه زندگی، آن گونه که دین خواسته، حمایت کنند، کمال و معنای زندگی را در پذیرش قطعی اصول عقایدی می دانند که مبنای اندیشه های آنها به حساب می آید. امکان ندارد که آنها بر سر این اصول، مصالحه کنند؛ زیرا بین مصالحه بر سر این اصول و طرد باورهای دینی، فاصله چندان وجود ندارد.

عوامل تأثیر گذار بر نگرش دانش آموزان

دانش آموزان فقط از راه آموزش جنسی به این گونه اطلاعات دست پیدا نمی کنند، بلکه این شیوه، تنها یکی از راه های کسب اطلاعات درباره ارزش های جنسی بزرگسالان است. کودکان، ناخودآگاه ارزش های جامعه را می پذیرند، چون والدین بر ارزش های اجتماعی کنترلی ندارند و تنها می توانند کودکان خود را به اطلاعاتی مجهز کنند که با آنچه از جامعه دریافت می کنند مقابله نمایند. این سخن، به آن معناست که والدین مجبورند درباره مطالبی سخن بگویند که دوست دارند از آن پرهیز کنند.

تربیت کودکان در جامعه مدرن، وظیفه بسیار سنگینی است. در چنین جوامعی، عوامل بسیاری در شکل گیری شخصیت آدمیان دخالت می کند. والدین مسلمان، نگران تربیت اخلاقی کودکان خویشند، زیرا نیروهای فراوانی دست اندرکارند که احتمالاً وابستگی آنها به خانواده و ارزش های دینی را تضعیف می کند. برخی از این عوامل

1. تأثیر نظام تعلیم و تربیت سکولاریستی تعلیم و تربیت سکولاریستی، فلسفه و نظام اخلاقی خاص خود را دارد؛ نظامی اخلاقی که قواعد مطلق را نمی پذیرد. نسبیت اخلاقی بر تمام مجموعه تعلیم و تربیت سایه گستر شده است. این اندیشه، به دانش آموزان کمک نمی کند معنای درست و نادرست را بدانند، بلکه چنین القا می کند که منشاء ارزش ها، ساختار اجتماعی است و بنابراین، هر تصمیم اخلاقی، موضوع یک اندیشه است. محدودیت این اندیشه، این است که ایمان انسان ها به قواعد مطلق اخلاقی را تضعیف می کند. در اندیشه سکولاریستی، نظام اخلاقی و معنوی قابل تفکیک است، اما از دیدگاه اسلام، نظام اخلاقی، معنویت و تدین، تحت اصول الهی وحدت یافته و به تربیت مجموعه شخصیت کودک کمک می کند.

2. فشار گسترده اجتماعی فشار همتایان و نفوذ تلویزیون و رسانه های گروهی، چنان قدرتمند است که اجازه نمی دهد جوانان از الگوهای سنتی زندگی پیروی کنند. نفوذ جامعه و ارزش های آن، چنان قوی است که حتی بزرگسالان را تحت تأثیر قرار می دهد. تعامل فرهنگی، پدیده ای اجتناب ناپذیر است که این فرصت را فراهم می آورد تا مردم با فرهنگ یک دیگر آشنا شوند و غنای فرهنگی خود را بهتر کشف کنند؛ اما در این فرآیند امکان دارد بخشی از ارزش های فرهنگ خودی را نیز از دست بدهند.

3. فقدان اطلاعات نسبت به جامعه غرب ماهیت جوامع مدرن، بسیار پیچیده است؛ اما بسیاری از والدین نسبت به پیچیدگی آن اطلاع کافی نداشته و برای برخورد با این مسایل آمادگی ندارند. برخی والدین لازم نمی دانند جزئیات جوامع غربی را بدانند و آن را به عنوان فرایندی که موجب سکولاریزه کردن افراد می شود تلقی کنند؛ اما حتی اگر کسی درباره وضعیت آن اطلاعات جزئی هم داشته باشد، قدرت ایستادگی در برابر آن را ندارد. در عین حال، شناختن جوامع غربی به والدین کمک می کند ارزش های مثبت و منفی غرب را دانسته و به صورت روشن درباره آن قضاوت کنند.

4. فقدان توازن در کنترل والدینی دین اسلام به مردم توصیه می کند در تمام امور دینی راه میانه را در پیش گیرند. باید اسلام را به کودکان به شیوه ای صمیمانه و خوشایند آموزش داد تا نسبت به آن بی علاقه نشوند.

5. ناکامی در معرفی مدل جهت ایفای نقش کودکان کودکان، والدین و بزرگسالان از جمله معلمان را الگوی خود می دانند. اگر والدین، کودک را به اسلام دعوت کنند، اما خود به آن عمل نکنند، نتیجه آن بر عکس خواهد بود.

6. دارا بودن اولویت های متفاوت احتمالاً گروه اندکی از والدین، نسبت به بسیاری از اعضای جامعه، اولویت های متفاوتی دارند. زمانی که والدین چنان به کار روزانه اشتغال دارند که نمی توانند اندکی از وقت خود را با کودکان باشند، نتیجه این است که کودکان به حال خود رها شده و به آسانی تحت تأثیر محیط اجتماعی قرار گیرند.

7. کاهش حساسیت نسبت به ارزش ها قرآن، احادیث و کتب فقهی، سرشار از ذکر هنجارهای رفتار جنسی، آداب

و موازین اخلاقی (Etiquette) است و صریحا درباره انواع متصور انحرافات جنسی سخن گفته است. هر چند مسلمانان در اصالت و صحت این منابع تردید ندارند و از ارزش ها و تعالیم این منابع توشه هدایت بر می گیرند، اما دانش آموزان مسلمان که به صورت مستمر در معرض تعالیم غیر دینی یا ضد دینی قرار می گیرند، احتمالاً حساسیت شان نسبت به این ارزش ها فروکش خواهد کرد. برای مواجهه با ارزش های نامطلوب، باید توانایی تأمل نقادانه را در دانش آموزان ایجاد کرد، اما این تأمل نقادانه، نیازمند ارزش هایی است که مبنای این تأمل را فراهم آورد.

سلسله فعالیت های مسلمانان

ایجاد تحول اساسی در برنامه آموزش جنسی، چالشی هولناک است. در حالی که تصور می شود نیروهای لیبرال درصد زیادی از جمعیت را تشکیل می دهند، طبیعی است که در مواجهه با این چالش، احساس یأس کرده و آن را تنها راه بدانیم. کسانی که به فکر سعادت انسانیت، مخصوصا نسل جوان هستند، باید مبارزه بر ضد فرامین الهی را که نقش تخریبی دارد، جدی بگیرند. ضرورت ایجاد می کند که درباره شرایط بیاندهشیم، آن را ارزیابی کرده و تلاش کنیم در سایه میراث مشترک سه دین ابراهیمی، یعنی اسلام، مسیحیت و یهودیت، فرا گیریم که چگونه خود را از شر حامیان آموزش جنسی برهانیم. قدم اول در این راه، تغییر تدریجی در گرایش فعلی جامعه، جهت جایگزین کردن ارزش های آن با ارزش های دینی است. البته این وظیفه سنگینی است.

قید و بندهای دینی مجموعه جامعه در چند دهه اخیر، به صورت جدی آسیب دیده است و ما اکنون در عصری زندگی می کنیم که هنجارهای دینی و موازین رفتاری خاصی بر آن حاکم نیست، بلکه مجموعه ای از ارزش های ذاتا سکولاریستی بر آن حاکم است. تا زمانی که فلسفه انسان گرایانه سکولاریستی بر سراسر جامعه حاکم باشد، تحول در برنامه آموزش جنسی امکان ندارد. این مشکل با این حقیقت همراه است که هر تلاشی برای محافظت از ابعاد دینی، دخالت در استقلال انسان ها و تحمیل یا تلفیق دانسته شده و در مقابل، طرفداری از دیدگاه سکولاریستی، رها سازی ذهن انسان از خرافه یا جزمیات تلقی می شود. ذهن انسان با طرد هنجارهای الهی، هر چه بیش تر در قید و بند بوالهوسی خویشتن گرفتار آمده و آرزوهای او مورد بی توجهی قرار گرفته است. تقدس زدایی از ارزش ها، ریشه تمام مشکلات است.

بی تردید، تحول در این حوزه را باید از برنامه آموزش جنسی مدارس آغاز کرد. مذاکره و مصالحه بین فلسفه های متضاد، ممکن است مطلوب باشد، اما باید با این مبانی آموزش جنسی به خاطر حفاظت از نسل جوان مبارزه کرد. با توجه به این حقیقت که مسلمانان قادر نیستند در برنامه موجود و عملکردها تحول چندانی ایجاد کنند، باید فرزندان خود را از شر این مفاسد نجات دهند. برخی از راهکارهایی که مسلمانان برای حفاظت از ارزش های دینی خود در پیش گرفته اند، عبارتند از :

1. توصیه به کناره گیری کودکان از درسهای آموزش جنسی به عنوان اقدامی افراطی، والدین غالبا فرزندان خود را از درسهای آموزش جنسی برحذر می دارند. بی تردید، والدین می دانند در حالی که موضوع آموزش جنسی در تمام دروس اعم از هنر، تئاتر، ادبیات، تاریخ و غیره مطرح می شود، ممکن نیست بتوان کودکان را به طور کامل از این گونه آموزش ها ایمن کرد. برخی والدین با کناره گیری کودکان از کلاس های آموزش جنسی موافق نیستند، اما

این امر، به غلط، به عنوان موافقت با این کلاس ها تلقی شده است. در واقع، این اندیشه، عکس العملی در مقابل وضعیت کاملاً مایوس کننده است. آنها با وجود عدم میل قلبی، به کودکان خود اجازه می دهند در کلاس های آموزش جنسی از نوع سکولار آن شرکت کنند، اما تلاش می کنند به وسیله آموزش خانگی یا فرستادن آنها به مسجد، تأثیر این کلاس ها را کاهش دهند. درست است که جلوگیری از ورود به کلاس های آموزش جنسی نمی تواند کاملاً کودکان را از تماس با ارزش های نامطلوب باز دارد، اما تا این حد به والدین اطمینان می دهد که از طریق دروس رسمی با این گونه ارزش ها آشنا نشده اند.

2. نظارت اجتماعی بر کودکان با ایجاد محدودیت در برقراری تماس با کسانی که تأثیر غیر اسلامی بر کودکان می گذارند، می توان این وظیفه را انجام داد. باید کودکان را تشویق کرد که در گزینش دوستان با احتیاط عمل کنند؛ زیرا فشار همتایان تا حدی مؤثر است که گاهی آدمی را با وجود عدم میل قلبی، به برخی کارها وادار می کند، اما امکان دارد سخت گیری بیش از حد والدین، نتیجه معکوس در بر داشته باشد.

3. جلوگیری از تماس با جنس مخالف مسلمانان، مخصوصاً نگران رفت و آمد کودکان خود با دوستانی از جنس مخالفند. رفاقت با دوستانی از جنس مخالف، امکان دارد به رابطه جنسی، یعنی کاری که اسلام آن را شدیداً منع کرده است، بیانجامد.

4. تشویق کودکان به فعالیت های فوق برنامه باید کودکان را به شرکت در فعالیت هایی از قبیل مقاله نویسی، ورزش، هنر، طراحی و انجام وظایف اسلامی و گردهمایی ها تشویق کرد. این گردهمایی ها فرصت هایی است که برای دختران و پسران مسلمان فراهم آمده است. در همین اجتماعات است که آنها احساس تعلق، همبستگی و وحدت می کنند.

5. فرستادن کودکان به مسجد کودکان در مسجد ارزش های اسلامی و قرآنی را می آموزند. مسجد، فقط جای فراگیری احکام الهی نیست، بلکه فضایی اسلامی ایجاد می کند که می توانند در آن فضا با کسانی که علایق مشترک دارند رابطه برقرار کنند. مساجدی که در آن ها وظیفه تدریس انجام می گیرد، این ویژگی را دارد که به دانش آموزان کمک می کند ارزش های اسلامی را فراگیرند و در متن جامعه فاسد غرب، آن ها را به سوی اسلام راهنمایی می کند.

6. آموزش ارزش های اسلامی در خانه خانواده تأثیر مهمی بر تربیت کودکان دارد. شالوده ارزش ها در خانواده ریخته می شود؛ به تعبیر دیگر، کودکان از محیط خانواده که دوران کودکی خویش را به همراه والدین و سایر بستگان، در آن سپری کرده اند، مسایل بسیاری می آموزند. والدین تا حد امکان، اسلام، رفتار و مقررات اسلامی را به آنها می آموزند؛ به گونه ای که همراه با پذیرش ارزش های اسلامی رشد می کنند. دختران و پسران مسلمان، که باید مؤدب و عقیف باشند، نیاز به رفتار مسئولانه و حفظ عفت دارند و باید به پدر و مادر و بزرگسالان خویش احترام بگذارند.

این جوانان باید درک مناسبی از روابط جنسی داشته باشند و بدانند که اسلام، دوست پسر یا دختر داشتن و

روابط قبل از ازدواج برای شناخت یکدیگر را تحریم کرده است.

به هر حال، این اقدامات به خودی خود تضمین نمی کند که کودکان، دیگر تحت تأثیر فرهنگ مخرب غربی قرار نگیرند، اما این امید را زنده می کند که با ایجاد محیطی صمیمی و آموزشهای اولیه اسلامی، در برابر انحرافات مقاومت کرده و انسان هایی شایسته بار آیند.

والدین مسلمان که نگران تدین کودکان خود هستند، باید بدانند که از دیدگاه اسلام مسئولیت نهایی پرورش کودکان بر عهده آنهاست. آنها باید تمام راه هایی را که به غیر اسلامی یا ضد اسلامی شدن کودکان می انجامد، مسدود کنند و در حالی که حداکثر استفاده را از حق قانونی خود می کنند، باید تلاش کنند قانون را با مفیدترین شیوه تغییر دهند. اما مسئله مهم این است که باید آموزش های اسلامی در خانه و مسجد را تقویت کنند. در این مکان هاست که کودکان می توانند دیدگاه اسلامی مناسب با زندگی در جوامع غربی را در خود ایجاد کنند. در جامعه ای که از جهت مادی پیشرفت کرده و از جهت معنوی عقب مانده و دین به امری شخصی تبدیل شده است، بدون برنامه جامع مسجد محور، در دراز مدت نمی توان دین را حفظ کرد. تنها در صورتی که دید روشنی از دین داشته باشیم، در این جامعه چند فرهنگی و چند دینی، می توان به حفظ دین و زندگی مسالمت آمیز با سایر ادیان امیدوار بود.

آموزش جنسی در مدارس مسلمانان

هر جامعه ای الگوی خاصی از روابط جنسی دارد که حاکی از ارزش های آن جامعه و میل آن به بهبود شرایط اخلاقی افراد و خانواده ها، احساس مسئولیت، تعهد و میزان توجه به دیگران است. اعتقادات اسلامی هر چه بیش تر در مدارس رواج داشته باشد، مسلمانان برای فرستادن کودکان خود به آن مدارس بیش تر احساس آرامش می کنند و اگر مدارس اسلامی وجود نداشته باشند، ترجیح می دهند به مدارس بفرستند که نوعی مذهب در آن رواج داشته باشد. بین درس های آموزش جنسی در مدارس اسلامی و مدارس ایالتی، هم از جهت محتوا و هم روش تدریس، تفاوت های اساسی وجود دارد. آموزش جنسی در این مدارس، در محدوده مقررات اسلام تدریس می شود.

در مدارس مسلمانان، تأکید بر تدریس محتوای ذیل است : 1 سلامت و بهداشت جنسی 2 اهمیت و طهارت جنسی 3 اهمیت ازدواج و ارزش های خانوادگی 4 نقش مرد و زن در خانه و مدرسه 5 تصمیم گیری درباره امور جنسی 6 رعایت نزاکت و مقررات اسلامی 7 تعامل با جنس مخالف در تمام ابعاد زندگی 8 رابطه با مردم مخصوصا جنس مخالف 9 اهمیت اصل پوشش و شرم و حیا 10 اصول اخلاقی اسلام. این عناوین مشتمل بر بررسی جزئیات مسایل اجتماعی و اخلاقی، از قبیل رابطه قبل از ازدواج، انتخاب شریک زندگی، رشد جمعیت، سقط جنین و راههای جلوگیری از حاملگی با توجه به فرامین اسلام است.

در مدارس مسلمانان، آموزش جنسی در چهارچوب روشن اخلاق اسلامی که به عفاف و بکارت قبل از ازدواج و وفاداری در دوران ازدواج توصیه می کند، صورت می گیرد. در اخلاق اسلامی، رابطه زوجیت، عشق و مسئولیت شناسی محترم شمرده شده و احترام به والدین و اطاعت از آنها تلقین شده و نظر قرآن درباره رابطه دو جنس مخالف، رابطه همسر و شوهر، قاعدگی، زایمان، ازدواج، انحراف جنسی و همجنس بازی، بیان می شود. در این درس، دانش آموزان می آموزند که تمام روابط جنسی، باید در محدوده ازدواج، زندگی خانوادگی، عفت ذاتی و مقررات اخلاقی انجام گیرد و همجنس بازی، رفتاری انحرافی و به طور کلی ممنوع است. خود ارضایی نیز به عنوان

رفتاری که موجب محرومیت آدمی از فعالیت جنسی می شود تلقی می شود و انواع متفاوت رابطه انحرافی تحریم شده است. علاوه بر تمام این ها، دانش آموزان درباره اهمیت ارزش های خانوادگی و نحوه رابطه میان اعضای خانواده، مسایلی را فرامی گیرند.

هر موضوعی که دانش آموزان در حوزه آموزش جنسی و برای زندگی در این جامعه به آن نیازمندند، باید در همین کلاس ها آموزش داده شود. امر زیستی مربوط به تولیدمثل، در درس علوم، به عنوان نیاز برنامه آموزش عمومی (47) تدریس می شود. موضوعاتی که بیان آن بسیار مبتذل است، در پرده بیان شده و آموزش جنسی تنها در کلاس های غیر مختلط ارایه می شود.

در قوانین اسلام، ازدواج نامشروع (48) و ارضای جنسی قبل از ازدواج و همچنین رابطه آزاد میان جنس مخالف ممنوع شده است؛ اما وضعیت مسلمانانی که در جوامع غربی زندگی می کنند، متفاوت است. در آن جوامع، اطلاعاتی درباره راه های جلوگیری از حاملگی ارایه می شود و چیزی در پرده ابهام باقی نمانده و به گونه ای روشن و عملی بیان می شود. نامطلوب بودن شیوه های جلوگیری از حاملگی به عنوان راهی برای تجربه جنسی جوانان، بدون ترس از حاملگی ناخواسته، مورد بررسی قرار گرفته و بر پرهیز از ارضای جنسی، به جای اقدامات احتیاط آمیز قبل از مجامعت، در دختران مجرد تأکید می کند.

در آموزش های اسلامی، از فیلم های ویدیویی و داستان هایی که مسئله را به صورت روشن بیان کرده، استفاده نخواهد شد و از دانش آموزان نیز نمی خواهند که عکس های مبتذل ترسیم کنند. در تمام موارد فوق، مصلحت دانش آموز و رشد کامل شخصیت او مورد توجه قرار می گیرد. برای تقویت ادله اسلامی و بررسی ادله مشترک اسلام با سایر مذاهب، در این گونه آموزش ها، به توصیه های قرآن و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره خواهد شد.

مبحث روابط جنسی، در برنامه های آموزشی جایگاه برجسته ای دارد. تفکیک سختگیرانه دو جنس از یکدیگر در این جامعه، کار بسیار دشواری است. ارزش های جامعه غرب، جایی که مهارت رفاقت با جنس مخالف مانند دوستی با هم جنس، ارزش حساب می شود، معنای رابطه را برای بزرگسالانی که در جامعه غربی زندگی می کنند، تحت تأثیر قرار می دهد. در شرایطی که دختران و پسران مسلمانان، به عنوان موضوعی رایج در مدارس و کالج ها، با جوانانی که از جنس آنها نیستند پیوسته مواجهند، باید بدانند، چگونه عفت خود را حفظ کرده و در محدوده قلمرو دینی رفتار کنند.

از طریق مذاکره با کودکان، می توان ارزش ها را تبیین کرد، اما این امر تنها با توجه به سن و همچنین رشد کودکان محقق خواهد شد. هیچ محدودیتی در باب مذاکره صریح درباره موضوعات مربوط به دین وجود ندارد، اما در مقام گفتگو درباره امور جنسی، باید احساس شرم به عنوان جزئی از ایمان، بر وجود مسلمان سایه گستر باشد. به تعبیر دیگر، این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که «حیا از ایمان است»، به هنگام گفت وگو در این رابطه، پیوسته باید مورد توجه مسلمانان باشد.

آموزش جنسی و مدارس مشترک

در حال حاضر، احتمال این که در مدارس مشترک (49) دیدگاه دینی نسبت به آموزش جنسی، مورد قبول واقع شود ضعیف است. برای مسلمانان نیز امکان ندارد که در سراسر جهان برای فرزندان خود مدارس اختصاصی داشته باشند، بنابراین غالب دانش آموزان به مدارس ایالتی می روند.

مسلمانان با این موضوع موافق نیستند که اطلاعات جنسی صریحا در اختیار فرزندان نابالغ آنها قرار گیرد. دلیل عدم موافقت آنها به قرار ذیل است :

اولاً : اطلاعاتی که به آنها عرضه می شود، برتر از توانایی فهم و احساس آنهاست.

ثانیا : در اختیار گذاردن اطلاعات جنسی، دانش آموزان را به تجربه جنسی ترغیب می کند.

ثالثاً : طرح این مسایل، با کودکانی در این سنین، با شرم و حیای اسلامی سازگار نیست. حتی اگر دیدگاه سکولاریستی و دینی نسبت به آموزش جنسی و مسایل آن، به گونه ای متوازن عرضه شود، خطر تهدید کننده این است که دانش آموزان به صورت غیر ضرور در معرض اطلاعات جنسی با تمام مشکلات آن قرار گیرند. علاوه بر این، آنچه در مقام آموزش جنسی به نام عینیت (50) مشهور است، در واقع سوگیری شدیدی به جانب دیدگاه سکولاریستی دارد. غالباً چنین گفته می شود که اگر کودکان را به چنین اطلاعاتی مجهز نکنیم، نمی توانند در برابر سوء استفاده جنسی مقاومت کنند. ما نیز با این ادعا مخالفتی نداریم، اما اطلاعاتی که در این زمینه به آنها عرضه می شود، بسیار بیش از نیاز آن هاست.

اقلیت های دینی، به عنوان یک حق انسانی، در کشورهای آزاد، لیبرال و دموکراتیک باید بتوانند بر اساس ایمان خود عمل کنند، اما اگر قرار باشد بین منافع اقلیت ها، برخورد واقعی صورت گیرد، آن ها هستند که در این میان زیان می بینند؛ در صورتی که مسئولان به جای پذیرش و سازگاری با اقلیت های دینی، سخت گیری کنند، شرایط بدتر از این هم خواهد شد. هر چند امکان دارد اقلیت های دینی در ادعاهای خود صادق باشند، اما بدون تأیید اکثریت، امکان ندارد بتوانند نقطه نظرات خود را به اجرا درآورند. به هر حال، برای پرهیز از نارضایتی و تضاد یا کاهش آن، پیشنهادهای ذیل باید مورد توجه قرار گیرد. مسایل مذکور نباید در مدارس خاصی به اجرا درآید، آن گونه که برخی مدارس هم اکنون به گروه های اقلیت به توافقی دو جانبه رسیده و احتمال بهبود بیشتر را بررسی کرده اند. مجدداً یادآور می شود که توصیه های ذیل، راه حل اسلامی نیست، اما ممکن است در یک جامعه چند دینی و چند فرهنگی، به عنوان بهترین گزینه مطرح باشد. پیشنهادهای مذکور بدین شرح است :

1. اگر والدین به حقوق قانونی خود آگاه باشند، می توانند از این حق قانونی برای تأثیر گذاری بر برنامه های آموزش جنسی استفاده کنند. اگر آنها قادر باشند بر ادعای خود دلیل اقامه کنند، احتمال این که دیدگاه آنها مورد توجه قرار گیرد فراوان است. در واقع اگر والدین و دانش آموزان بخواهند، بسیاری از مشکلات مدارس قابل حل است.

2. در مصوبه 94/5 چنین آمده که متون درسی باید «به گونه ای عینی، متوازن و دقیق و در محدوده روشن ارزشی ارایه شود». جملاتی از این قبیل را به صورت های متفاوت می توان تفسیر کرد و والدین می توانند درباره محدوده ارزش های مورد توافق، با مدارس به مذاکره بنشینند. این امر، محال نیست، زیرا باید نظر والدین درباره محتوا و نحوه ارایه درس مورد توجه قرار گیرد. این مسئولیتی است بر گردن والدین که دیدگاه های خود را نسبت به آموزش جنسی بیان کنند. بخشنامه 1986 می گوید که ارایه آموزش جنسی باید دانش آموزان را ترغیب کند ملاحظات اخلاقی و ارزش های خانوادگی را مد نظر قرار دهند. مدارس باید دیدگاه والدین نسبت به مقررات اخلاقی و زندگی خانوادگی را مورد توجه قرار دهند. یک دیدگاه متوازن و تربیت منصفانه در یک کشور چند فرهنگی، باید همان گونه که دیدگاه سکولاریستی را مورد توجه قرار می دهد، به دیدگاه دینی نیز توجه کند. سزاوار نیست مدارس، دیدگاه دین را نسبت به مسایل مهم اخلاقی نادیده گرفته و تنها به دیدگاه سکولاریستی توجه کنند. اگر هدف تعلیم و تربیت، توسعه معنویت، اخلاق، فرهنگ و رشد جسمانی و روانی دانش آموزان

- است، باید تضمین کنند که چنین موقعیتی را برای تمام دانش آموزان با مذاهب مختلف فراهم خواهند آورد. طبق مصوبه 94/5 نسبت به هر دین یا فرهنگی که درباره مسایل جنسی سخن می گوید، همچنین نسبت به آرزوهای والدین و میزان صراحت مفاهیم و نحوه ارایه آن، باید توجه خاصی مبذول داشت؛ چون مدارس در موقعیتی قرار دارند که باید موقعیت دینی والدین درباره آموزش جنسی را مورد توجه قرار دهند. مدیران و معلمان مدارس باید اطلاعات خود را نسبت به اقلیت های فرهنگی و ارزشی افزایش دهند. ملاقات والدین با معلمان و مدیران، این امکان را برای والدین فراهم می آورد که محتوا و شیوه ارایه آموزش جنسی را بررسی کنند. به صورت ویژه، نکات ذیل را باید با والدین درمیان گذاشت :
- الف) والدین می خواهند فرزندانشان تا چه اندازه درباره امور جنسی بدانند. مطمئناً والدین راضی نیستند فرزندان در این رابطه اطلاعات غیر ضروری کسب کنند.
- ب) والدین چه نوع محتوا یا فیلم هایی را برای استفاده کودکان می پسندند، زیرا یکی از نگرانی های والدین، نمایش عکس ها و فیلم های صریح به کودکان است.
- ت) معلمان چگونه باید این درس را آموزش دهند. به عنوان مثال، والدین علاقه مندند این محتوای درسی در کلاس های غیر مختلط تدریس شود.
3. خط مشی آموزش جنسی مدارس و محتوای درسی مورد استفاده را باید به آسانی در دسترس والدین قرار داد. مدارس باید قبل از سال تحصیلی، به والدین نامه نوشته و محتویات آموزش جنسی آن سال تحصیلی را توضیح دهند.
4. مدارس نمایندگانی را از نهادها دعوت نموده و درباره ابعاد متفاوت آموزش جنسی با آنان به گفت وگو بنشینند. در این گفت وگو باید از اقلیت های دینی نیز برای بیان نظرات خود دعوت نمایند.
5. آموزش جنسی را مانند سایر درس های مدرسه، نمی توان به انتقال اطلاعات صرفاً علمی و مکانیکی منحصر کرد. ارزش ها به صورتی اجتناب ناپذیر منتقل می شوند. کرامت و شرافت معلمان بسیار مهم است، زیرا آنچه را که دانش آموزان از معلمان می آموزند، به عنوان واقعیت تلقی می کنند. معلمان باید یقین داشته باشند آنچه را به دانش آموزان می آموزند با باورهای دینی آنان منافاتی ندارد.
6. والدین می توانند با استفاده از اعضای جامعه یا رهبران دینی، ادله خود را اقامه کنند یا رهبران دینی می توانند، با ابتکار خود در پست های مدیریتی مدارس راه یابند؛ زیرا مدیران مدارس موظفند هر پیشنهادی را از جانب هر کس، مخصوصاً از جانب گروه های دینی یا اقلیت های اجتماعی بپذیرند. سازمان های اسلامی در کشور انگلستان، می توانند در قالب قوانین موجود اعمال فشار کرده و خواسته های خود را اعلام کنند.
7. تمام مکاتب بزرگ درباره مسایل مهمی از قبیل عفاف، بکارت و وفاداری حین ازدواج اتفاق نظر دارند، و لذا توسعه و ترویج این امر ضروری است.
8. ماهیت کلی آموزش جنسی اقتضا می کند موضوعاتی که احتمالاً در آموزش جنسی می گنجد، مورد دقت قرار گیرد. حتی تربیت جسمانی را نمی توان آزاد از ارزش دانست. برای دانش آموز مسلمان، مشکل است که خود را با برخی رفتارها در مدارس سازگار کند، برای مثال لخت و برهنه بودن در مقابل دیگران و خیره شدن به برخی اعضای بدن یکدیگر، از دیدگاه اسلام حرام است. (51) مدارس باید به مسایلی از این قبیل حساسیت نشان دهند.
9. مدارس خصوصی که اکثریت دانش آموزان آن متعلق به دینی خاص هستند، امکان دارد برنامه های آموزش جنسی خود را با همان دین هماهنگ کند و ممکن است لازم باشد برای گروه اندکی از دانش آموزانی که درباره

آموزش جنسی آزادانه می اندیشند، برنامه های جداگانه تدارک دیده یا به آنها اجازه دهند از شرکت در درسها معاف باشند.

10. مشکل است بتوان با کسانی که نگرش لیبرالیستی را پذیرفته و در پذیرش مشروعیت و قانونی بودن آزادی جنسی مشکلی نمی بینند و معتقدند که هیچ مشکل جسمانی و اجتماعی در بر ندارد یا از این راستا، تجاوزی به حقوق مردم صورت نمی گیرد، به توافق رسید. با توجه به شرایط فعلی جامعه ما، احتمالاً اکثریت با کسانی است که این نگرش را پذیرفته اند. این گروه حاضر نیست سایر اندیشه ها را بپذیرند. در عین حال، در کشورهای دمکراتیکی از قبیل بریتانیا، تلاش نمی کنند نگرش اقلیت ها را نادیده بگیرند. حتی در چنین شرایطی، والدین و مسئولان مدارس از درک این موضوع که چه مسایلی به نفع دانش آموزان است، ناتوانند. اگر مسلمانان احساس کنند که در مدارس مسایلی به دانش آموزان آموخته می شود که با مبانی عقیدتی آنها ناسازگار است، تنها گزینه مورد انتخاب آنها، بر حذر داشتن فرزندان خود از شرکت در این گونه برنامه های آموزشی است. از نقطه نظر مسلمانان، اگر قرار باشد، دانش آموزان در شرایطی قرار داده شوند که تربیت دینی آنها به صورت جدی مورد تهدید باشد، یا به نظر والدین، محتوایی به دانش آموزان عرضه شود که ارزش های دینی را تخریب کند، این حقوق قابل اعمال است. اگر مسئولان مدارس مطمئن شوند که والدین نگران رشد کودکان خود هستند و برنامه های آموزش جنسی را زیر نظر دارند، چندان نیازی به بر حذر داشتن کودکان از شرکت در این گونه برنامه ها نیست.

فهرست منابع

منابع لاتین

1. 162 : 6, Qur`an

2. Thomosn, R. (Ed.) (1993), Religion, Ethnicity and Sex Educaring the issues, National Children's Bureau, London. See also P. Danon (1995), Sex Education in Schools, Tried but Uneted : the aims and outcomes of sex education in schools. Family Education Trust, Oxford; M.J.Reiss (1995), "Conflicting Philosophies of School Sex Education", Journal of Moral Education, 4, 4, pp. 371-382.

3. Sarwar, G. (1996). Sex Education : the Muslim perspective, 3rd ed., Muslim Education Trust, London; M. Ibrahim (1994), "Sex", letter to Q News, 3, 36 (16-23 December), p. 8; F. Bodi (1994), "The Nature of Sex Education", Q News, 3, 36 (2-9 December), p. 6; F. Amer (1997), "The Problems of Sex Education Within the Context of Islamic Teachings - Towards a Clearer Vision of the British Case", Muslim Education Quarterly, 14, 2, pp. 16-36.

4. Qur`an, 69 : 18-29; 23 : 16.

5. This point has been brought out in numerous Writings of S.H.Nasr, e.g. Traditional Islam in the Modern World (1987), KPI Ltd., London, and A Young Muslim's Guide to the Modern World (1993), Islamic Texts Society, Cambridge.

6. Ashraf, S.A. (1996), Editorial : "The Islamic Concept of Sex as the Basis of Sex Education", Muslim Education Quarterly, 13, 2, pp. 1-3, The Islamic Academy, Cambridge.

7. Osman,F. (1997), Conceots of the Qur`an : a topical reading, MVIPublications, Los Angeles, CA,p.803.
8. Tafsir Ibn Kathir, vol.3,p.282, quoted in S.A. Khan (tr.) (1987), Modesty andChastity in Islam by M.Z. Nadvi,p. 199, Isamic Book Publishers, kuwait.
9. Hadith : Bukhari.
10. Nasr, S.H. (1987), Traditional Islam in the Modern World, KPILtd.,London,p.52.
11. Qur`an,24 : 30-31.
12. Qur`an, 2 : 222-23.
13. Qur`an , 17 : 23-24.
14. Ali,A.Y. (1975), The Holy Quran, Text, Translation and Commentary,The Islamic .Foundation, Leicester,n. 2206,p. 701

پی نوشت ها :

1. Juristic .

2. انعام. 162.

3.. Modesty

4. Praise Worthy.

5. حاقه/29-18.

6. این نکته در نوشته های مختلف اس. اچ. نصر خاطر نشان شده است.

7. The State Schools.

8. Purity.

9. Purity.

10. صحیح بخاری.

11. Piety.

12. God Consciousness.

13. Nobility of Birth.

14. صحیح بخاری.

15. Sacrament.

16. نور / 30و31

17. بقره/223و222

18. اسراء/23

19. حدیث نسایی.

20. نساء/1.

- Equalization. .21
- 22. Neuter.
- 23. Equilibrium.
- 24. Value - Laden.
- 25. Parenthood.
- 26. loving Relationship.
- 27. Extra - Marital.
- 28. Virginity.
- 29. Self - Restraint.
- 30. Fidelity.
- 31. Permissive.
- 32. National Curriculum.
- 33. Indoctrination.
- 34. Moral Dilemmas.
- 35. White Paper.
- 36. نامه خصوصی از یک دوست به مدیر.
- Codes of Guidance. .37
- 38. Nudity.
- 39. Liberal Values.
- 40. Moulds.
- 41. تین/5و4.
- Abstinence. .42
- 43. Internalisation.
- 44. توبه/67.
- Value - Neutral. .45
- 46. Single - Parent.
- 47. National Curriculum.
- 48. Extra-Marital.
- 49. Common School.
- 50. Objectivity.

51. مطابق حدیثی که در مشکلات المصابیح از پیامبر (ص) نقل شده است : «هیچ مردی حق ندارد به اعضای خصوصی مردان دیگر و هیچ زنی نیز حق ندارد به اعضای خصوصی زنان دیگر نگاه کند».